

سوءهاضمه دموکراسی در ایتالیا

ترجمه : علی‌عبدالحمیدی

در حالی که اتحادیه اروپایی به ترویج دموکراسی در سراسر جهان مشغول است، خود فاقد ابزارهای کارآمد برای مخاطب قرار دادن وضعیت دموکراسی در کشورهای عضوش است. انتخابات اخیر ایتالیا نمونه نگران‌کننده‌ای را در اختیار می‌گذارد.

«سیلیوی برلوسکونی» نخست‌وزیر پیشین از وجود نقص‌هایی در شمارش آرا گله می‌کند و از به رسمیت شناختن پیروزی «پرودی» رقیب سرسخت انتخاباتی خود طفره می‌رود. در حالی که قوانین راهگشایی برای رفع دغدغه‌های احتمالی پس از برگزاری انتخابات وجود دارد، کاستی‌های این انتخابات خاص از پیش از بازگشایی نخستین مرکز اخذ آرا به چشم آمد.

وقتی اتحادیه اروپایی به نظاره انتخابات در سایر کشورها می‌نشینند نگاه تیزبینانه‌ای به میزان دسترسی احزاب به رسانه‌های خبری دارد. بدیهی است که اگر همه احزاب و گروه‌ها از حق یکسان در این زمینه برخوردار نباشند کل انتخابات توسط ناظران اروپایی زیر سؤال خواهد رفت. با این توضیح، انتخابات ایتالیا را می‌توان از تamen استانداردهای دموکراتیک عاجز قلمداد کرد. مشکل ایتالیا در زمینه مالکیت کانال‌های تلویزیونی کاملاً معلوم است: «برلوسکونی» نفوذ خیره‌کننده‌ای در سه شبکه اصلی تلویزیونی تجاری سراسری دارد که روی هم‌رفته بیش از ۴۰ درصد کل مخاطبان تلویزیونی ایتالیا را به خود اختصاص داده‌اند. تازه این غیر از کنترلی است که «برلوسکونی» به اتکای پست دولتی اش بر تلویزیون ملی دارد. پیش از انتخابات، پرسش این بود که آیا این نابرابری در بهره‌مندی از پوشش تلویزیونی در نتیجه انتخابات موثر خواهد بود. بله، واقعاً چنین بود.

طبق اطلاعات جمع‌آوری شده توسط موسسه Centro d’Ascolto که نظارت بر رسانه‌ها را عهده‌دار است احزاب میانه و راستگرا ۲۰درصد پوشش تلویزیونی کانال‌های «برلوسکونی» را به خود اختصاص دادند و فقط ۳۰ درصد نصیب حزب مخالف شد. یکی از این کانال‌ها به دلیل بخش یک‌رشته برنامه در حمایت آشکار از «برلوسکونی» چندهفته‌ای از سوی مراجع رسانه‌ای ایتالیا جریمه شد. اما پول هرگز مسئله مهمی نبود. این کانال به آسانی هر هفته چندصد هزار یورو پرداخت و به تهیه و پخش برنامه‌های جانبدارانه‌اش ادامه داد. جانبداری از «برلوسکونی» حتی پیش از آغاز رسمی مبارزات انتخاباتی که هنوز قوانین مربوطه کاربرد نداشتند بدتر بود.

برخی مفسران اکنون می‌گویند که شکست «برلوسکونی» ثابت می‌کند حاکمیت رسانه‌ای واقعاً ارزشی ندارد. اما این یک نگرش خام و بی‌پایه و اساس در مورد تاثیرگذاری رسانه است. سنجش «میزان تاثیرگذاری واقعی فعالیت‌های رسانه‌ای بر رفتار رای‌دهندگان» غیرممکن است. اما ایستگاه‌های بزرگ تلویزیونی ملی بدون تردید تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر افکار عمومی داشته‌اند. اگر این طور نبود، ناظران انتخابات بین‌المللی نباید حق می‌داشتند که از پوشش جانبدارانه تلویزیونی در اوکراین را روسیه انتقاد کنند.

در واقع چنین رفتار جانبدارانه‌ای به‌ویژه در یک رقابت بسیار نزدیک مثل انتخابات اخیر ایتالیا که تفاوت آرای دو جناح برنده و بازنده به ۱/۰ درصد کل آرای ماخوذه محدود شد حساس (که گاه تعیین‌کننده) است.

ورای این پرسش که چه کسی پیروز انتخابات است، هر تفاوتی در نتایج کسب شده توسط احزاب رقیب آشکارا برای تثبیت موقعیت حکومت جدید مهم است. به بیان دیگر، هرچه فاصله درصدی حزب پیروز با احزاب رقیب بیشتر باشد یقیناً استحکام بیشتری در کار دولت جدید به چشم خواهد آمد و بالعکس. اما متأسفانه باید گفت که هنوز هیچ توجه خاصی به این مشکلات ساختاری آشکار در تلویزیون ایتالیا نشده است. قانونی هم که در این رابطه در سال ۲۰۰۴ وضع شده بود از سوی کارشناسان سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان ملل متحد تائیدآمیز تشخیص داده شد.

تغییرات دقیقه آخری سیستم انتخاباتی توسط دولت میانه – راستگرای «برلوسکونی» نیز خاطر بسیاری را پریشان کرد. دموکراسی‌های لران غالباً با این تلنگر جوامع اصیل دموکراتیک مواجه می‌شوند که سیستم انتخاباتی شان را فقط وقتی جایزند صلاح کنند که: نخست دلایل کاملاً واقعی برای آن داشته باشند، دوم با احزاب عمده سیاسی و مردم مشورت کنند و سوم هرگز در فاصله زمانی کوتاه از انتخابات به چنین کاری نپردازند. خودتان قضاوت کنید. سیستم انتخاباتی ایتالیا به‌طور شائبه‌آمیز در اوایل سال ۲۰۰۵ تغییر یافت.

جناح میانه – راستگرا به عنوان مجری اعمال این تغییرات امیدوار بود که بتواند بیشترین بهره را از معادلات جدید ببرد. کاستی‌های انتخابات اخیر ایتالیا بی‌تردید اسباب پریشانی اتحادیه اروپایی را فراهم می‌کند. ضعف‌های دموکراسی بدون یک کشور عضو می‌تواند یک سیستم اتحادیه اروپایی را به چالش بکشد، زیرا همه حاکمیت‌های ملی جزء حیات قانونگذاری این اتحادیه هستند. مشکلات ایتالیا اعتبار اتحادیه اروپایی را نیز به عنوان یک مروج جهانی دموکراسی خدشه‌دار می‌کند. این اتحادیه صدها میلیون یورو برای حمایت از دموکراسی در خارج صرف می‌کند، یک دو جبین انتخابات را هر سال نظارت می‌کند و دموکراسی را در کشورهای متقاضی پیوستن به جمع اعضای کنونی اتحادیه مورد مذاقه قرار می‌دهد و به‌طور فزاینده‌ای خواهان رفع موانع استقرار دموکراسی در همسایگان شرقی‌اش اوکراین و بلاروس است. با این حال، اتحادیه اروپایی بر روند برگزاری انتخابات در کشورهای عضو خود نظارت نمی‌کند و هیچ مکانیسم قابل توجهی را برای مخاطب قرار دادن استانداردهای دموکراتیک در داخل نخواهد رفت موانع استقرار دموکراسی در همسایگان شرقی‌اش اوکراین و بلاروس است. با این حال، اتحادیه اروپایی بر روند برگزاری انتخابات در کشورهای عضو خود نظارت نمی‌کند و هیچ مکانیسم قابل توجهی را برای مخاطب قرار دادن استانداردهای دموکراتیک در داخل نخواهد رفت مگر گزینه اخراج یک عضو از اتحادیه (که بسیار سختگیرانه و بعضاً غیر قابل اجرا به نظر می‌رسد). اگر اتحادیه اروپایی راه‌هایی را برای مخاطب قرار دادن این زوال استانداردهای دموکراتیک نیابد، اعتبارش به عنوان یک مروج پرادعای دموکراسی روزبه‌روز کاهش خواهد یافت

منبع: International Herald Tribune

تقریباً همزمان با آغاز سال نو میلادی، «او مورالس»

رسماً کار خود را به عنوان رئیس‌جمهور جدید بولیوی

شروع کرد. مورالس به عنوان اولین سفرهای رسمی خود به دیدن کاسترو و «هوگو چاوس» رئیس‌جمهور ونزوئلا رفت؛ رئیس‌جمهوری که در حال حاضر یک انقلاب را رهبری می‌کند و در کشور خود از وی به عنوان قهرمان آزادی و «سیمون بولیوار» جدید یاد می‌شود. سفر مورالس به سوی اروپا، چین، آفریقای جنوبی و برزیل ادامه پیدا کرد. اما برخلاف سنت پیشین که هر رئیس‌جمهور جدیدی در آمریکای لاتین اولین سفر رسمی‌اش را به واشینگتن می‌رفت، چنین چیزی در برنامه مورالس وجود نداشت. مورالس که پس از رئیس‌جمهور مکزیک در سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۸۷۲ یعنی پس از «بنیتو خوارز» اولین رئیس‌جمهور سرخپوست تبار تاریخ آمریکای لاتین به حساب می‌آید، معتقد است که کاپوس آینده کاخ سفید خواهد بود.

بی‌تردید نسیم متفاوتی در آمریکای لاتین می‌وزد، نسیمی که مبدأ و مقصد آن اردوگاه چپ‌است. در برزیل یعنی در بزرگترین و از نظر اقتصادی قوی‌ترین کشور این شبه‌قاره، از سال ۲۰۰۲ یک فلزکار سابق و رهبر اعتصاب عمومی سال‌های پیش این کشور یعنی «لوئیز اینانچو لولا داسیلوا» ریاست‌جمهوری را برعهده دارد. در آرژانتین هم از همان سال ۲۰۰۳ پرنیست چپ‌گرا انستور کرچتر» در راس قدرت است. در این کشور طی چند ماه ۲۶۰۰ دادگاه برای رسیدگی به اتهامات و جنایات افسران و سربازان دوران دیکتاتوری نظامی (۱۹۸۳–۱۹۷۶) تشکیل شد.

در اروگوئه یعنی در کشوری که ۱۷۰ سال تمام از سوی احزاب سنتی «کولورادوس» و «لانتکوس» اداره می‌شد، در سال ۲۰۰۴ کاندیدای احزاب چپ این کشور یعنی «تاباره واسکوئز» به ریاست‌جمهوری برگزیده شد. ده نفر از اعضای کابینه و اسکوئز کسانی هستند که سال‌های زیادی از عمر خود را به عنوان زندانی سیاسی سپری کرده‌اند. واسکوئز به عنوان اولین اقدام پس از نشستن بر صندلی ریاست‌جمهوری اروگوئه، روابط دیپلماتیک کشورش با جزیره سوسیالیستی کوبا را که از سال‌ها پیش قطع شده بود، دوباره برقرار کرد. در شیلی نیز که البته در سال ۲۰۰۰ «ریکاردو لاگوس» چپ‌گرا به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شده بود، چندی پیش بار دیگر رئیس‌جمهور چپ‌گرای دیگر یعنی خايم «میشل باشلت» به این مقام برگزیده شد. باشلت دختر یکی از افسران هوایی شیلی است که در دوران دیکتاتوری پیشوئه به قتل رسیده و خود نیز مدتی در زندان‌های رژیم دیکتاتوری نظامی طعم شکنجه و اسارت را چشیده است. باشلت از نظر گرایش به چپ، پیشروتر از سلف خود به شمار می‌آید.

و این گرایش به چپ در آمریکای لاتین ظاهراً ادامه پیدا خواهد کرد. پرو نیز در ماه جاری (آوریل امسال) شاهد انتخابات ریاست‌جمهوری است. بر طبق نظرسنجی‌ها «اولانتا هومالا» از دیگر رقبیان خود پیشی گرفته است. این کاندیدای محبوب و البته پوپولیست که او نیز تباری سرخپوست دارد، در رویای احیای امپراتوری اینکا به سر می‌برد و همواره بر طبل نژادپرستی می‌کوبد. چندی قبل ملاقاتی میان هومالا، چاوس و مورالس در کاراکاس انجام شد و آن دو رئیس‌جمهور از هومالا به عنوان همکار بعدی خود یاد کردند.

رئیس‌جمهور جدید پای صندوق‌های رای می‌روند. کارشناسان در حال حاضر «مانرئول لویز اوپرادور» شهردار پایتخت و کاندیدای محبوب و دنیای اقتصاد را دموکراتیک» را شانس اول این انتخابات می‌دانند. در میان کشورهای بزرگ آمریکای لاتین تنها در کلمبیا است که محافظه‌کاری به نام «آلوارو اوربیه» در ماه مه ریاست‌جمهوری‌اش را تنفیذ می‌کند و البته منافع ایالات متحده آمریکا در آن کشور به این صورت تضمین می‌شود.

بی‌تردید سراسر آمریکای لاتین در حال به اصطلاح به رنگ سرخ در آمدن است. در تاریخ معاصر این شبه‌قاره سابقه‌ای یک‌رنگی وجود دارد که البته قبلاً به رنگ سیاه درآمد! در سال‌های دهه ۶۰، کودتا پشت کودتا بود که در بیشتر کشورهای آمریکای لاتین انجام شده و ژنرال‌ها را روی کار می‌آورد؛ ژنرال‌هایی که پشتیبان اصلی همه آنها ایالات متحده آمریکا بود و وظیفه همه آنها تأمین و تضمین منافع آن ابرقدرت چیز دیگری نبود. دولت واشینگتن همواره از سرایت به گفته خودشان «باکتری منطقه به دلیل حرکت‌های چریکی وحشت داشت. در سال‌های ده هشتاد قرار بر این شد تا نظامیان کناره‌گیری کرده و جای خود را به دولت‌های غیرنظامی بدهند. اما وضعیت از نظر اقتصادی هیچ تغییری نکرد و سال‌های آن دهه به عنوان «ده سال از دست‌رفته» در دفتر تاریخ آمریکای جنوبی ثبت شد.

آن به اصطلاح دموکراسی‌های جدید خیلی زود در زیر فشار بحران عظیم بدهی‌های خارجی و تورم لجام‌گسیخته عملاً فلج شدند. شدت فشار بدهی‌ها به اندازه‌ای بود که کشورهای آمریکای لاتین به «صندوق بین‌المللی پول» روی آوردند و این صندوق نیز هر گونه حمایتی را منوط به اجازه واشینگتن می‌دانست. بدین صورت بود که کشورهای آمریکای لاتین چاره‌ای جز پیروی از برنامه‌های اقتصادی دیکته شده از سوی واشینگتن نداشتند. بدین ترتیب همگی از برنامه‌های

جهان

سوسیالیست‌ها و چپ‌گرایان حراف آمریکای لاتین

توماس شمید

ترجمه : محمدعلی فیروزآبادی



گشایشی در وضعیت میلیون‌ها نفر مردم فقیر این کشور به عمل آورد برنامه‌هایی موسوم به «رقم‌گرستگی صفر» و «پول‌خاندگی» را به مرحله اجرا گذاشته است. البته این برنامه‌ها بیشتر جنبه صدقه و کمک‌رسانی دارد و به هیچ روی مشکلات مردم فقیر را به صورت ریشه‌ای حل نمی‌کند.

از قرار معلوم ونزوئلا در وضعیت انقلابی به سر می‌برد، کشوری که هوگو چاوس به عنوان رئیس‌جمهور آن هر دم سخن از «سوسیالیسم قرن ۲۱» به میان می‌آورد. این کودتاگر ورشکسته و شکست‌خورده سال‌های دور، همچون سیمرخ که از خاکستر خود دوباره برمی‌خیزد، در پی فروپاشی سیستم سنتی قدرت در ونزوئلا که چندین دهه تحت سیطره انحصاری دو حزب سوسیال‌دموکرات و دموکرات مسیحی بود، در سال ۱۹۹۸ و با ۵۸ درصد آرا به عنوان رئیس‌جمهور پای در عرصه سیاسی ونزوئلا گذاشت. پس از رسیدن به قدرت

با سرعتی غیرقابل باور چنان تغییراتی در قانون اساسی به وجود آورد که طبق آن اختیاراتی وسیع به رئیس‌جمهور اعطا می‌شود. بدین ترتیب پارلمان در حد یک مجمع تابع رئیس‌جمهوری تنزل پیدا کرد و قوه قضائیه نیز عملاً در اختیار قوه مجریه قرار گرفت.

چاوس مسئله فقر را شفاف‌تر و آشکارت‌ر از لولا در کانون سیاست‌های خود قرار داد. دولت چاوس فروشگاه‌های بزرگ دولتی را برای عرضه مواد غذایی به مردم فقیر در نظر گرفت. کالاهای این فروشگاه‌ها به صورت گاه‌مجانی و اغلب با قیمت‌های پایین در اختیار مردم نیازمند قرار می‌گیرد. برای اولین بار میلیون‌ها نفر از مردم فقیر ونزوئلا از امکانات رفاهی و دارویی برخوردار شده‌اند و البته این مسئله مهربان آن بیست هزار پزشکی که از کوبا به این کشور آمده‌اند نیز هست. کشور ونزوئلا پنجمین تولیدکننده نفت خام به شمار می‌آید و قیمت هر بشکه نفت این کشور که در زمان آغاز کار چاوس ۱۸ دلار بود، به بیش‌ه‌ای حدود ۷۰ دلار افزایش پیدا کرده است. وضعیت فساد هم در حال حاضر در این کشور فرقی با گذشته ندارد و امروزه ثروت ملی ونزوئلا دیگر در دست پدرسالاران ستنی نیست بلکه طبقه جدیدی از نظامیان جایگزین آن پدرسالاران شده‌اند. با این همه در این دوره جدید اقتدر از ثروت ملی باقی می‌ماند تا فقر هم آن بهره‌مند شوند.

در همان حال که سیاستمدار دموکراتی چون لولا با نیروهای اپوزیسیون سعی در تعامل دارد زیرا به همکاری آنها در پارلمان نیازمند است، پوپولیستی مانند چاوس از نیروهای مخالف دیو می‌سازد و طبقه متوسط جامعه را به وحشت می‌اندازد و جامعه را قاطب‌بندی می‌کند. کشور برزیل در عرصه سیاست خارجی خود با قدرت‌های اقتصادی منطقه‌ای چون هند، چین و آفریقای جنوبی همکاری دارد و با همکاری آنها هنوز هم ۲۰ را اداره می‌کند. گروه ۲۰ متشکل از بیست کشوری است که از سه سال پیش یک کرسی مشترک در سازمان تجارت جهانی دارند، علت پذیرش این گروه سیاست کاهش کمک‌های مالی کشورهای ثروتمند شمال برای بازسازی کشاورزی است. اما سیاست خارجی و منطقه‌ای ونزوئلا نزدیک شدن هرچه بیشتر به کشور فقیر و غنی دو برزیل پشده باشد.

لولا ده ماه پیش اعلام کرد که برزیل قصد ندارد قرارداد اعتباری‌اش را با صندوق بین‌المللی پول تمدید و تجدید کند و پس از آن نیازهای مالی‌اش را از بازار سرمایه بین‌المللی تأمین خواهد کرد. شاید از همان زمان بود که اقتصاد برزیل رشد غیرقابل تصور خود را نشان داد و در حال حاضر این کشور پس از ایالات متحده و اتحادیه اروپایی سومین قدرت بزرگ کشاورزی جهان به شمار می‌آید. البته این به آن معنی نیست که شکاف کهنه فقیر و غنی دو برزیل پرشده باشد.



کوبا و رهبر آن یعنی کاسترو است، رهبری که هنوز در آمریکای لاتین محبوبیت دارد.

با این حال چاوس و لولا در یک مورد کاملاً مشترک هستند. هر دو رئیس‌جمهور موفق شدند تا کشورهای آمریکای لاتین را وادار به همکاری کرده و از جدایی آنها جلوگیری کنند. لولا به تازگی سخن از «محور استراتژیک» ونزوئلا و برزیل به میان آورده و چاوس هم با یادآوری این که او و برادرش لولا هر دو از مغضوبان کاش سفید هستند، توله بد گفته و توخالی نبودند. ونزوئلا به تازگی سفارش ساخت ۳۶ فروند هواپیمای جنگنده را به برزیل داده و قرارداد همکاری در بخش انرژی هم میان دو طرف به امضا رسیده است. بی‌تردید گرایش به چپ آمریکای لاتین همکاری‌های اقتصادی در این شبه‌قاره را وارد فاز جدیدی کرده است.

در هفته‌های گذشته چاوس، لولا و کرچتر بر سر برقراری خط لوله‌ای هفت هزار کیلومتری برای انتقال نفت خام ونزوئلا به برزیل از طریق آرژانتین به توافق رسیدند. هزینه این پروژه بیست میلیارد یورو برآورد شده است. ونزوئلا با تقبل بدهی بیش از یک و نیم میلیارد دلاری آرژانتین به صندوق بین‌المللی پول، این امکان را برای این کشور فراهم آورد تا همه بدیهی‌هایش به این صندوق را در آغاز سال جدید تسویه کند. البته آرژانتین در این معامله سود مالی نصیب خود نکرده است زیرا باید همین مقدار را بعداً به ونزوئلا پرداخت کند اما با این اقدام، آرژانتین از سنگینی فشارهای بانک جهانی رهایی یافت. به احتمال قوی در آینده این کودتاگر ورشکسته و شکست‌خورده سال‌های دور، همچون سیمرخ که از خاکستر خود دوباره برمی‌خیزد، در پی فروپاشی سیستم سنتی قدرت در ونزوئلا که چندین دهه تحت سیطره انحصاری دو حزب سوسیال‌دموکرات و دموکرات مسیحی بود، در سال ۱۹۹۸ و با ۵۸ درصد آرا به عنوان رئیس‌جمهور پای در عرصه سیاسی ونزوئلا گذاشت. پس از رسیدن به قدرت

با سرعتی غیرقابل باور چنان تغییراتی در قانون اساسی به وجود آورد که طبق آن اختیاراتی وسیع به رئیس‌جمهور اعطا می‌شود. بدین ترتیب پارلمان در حد یک مجمع تابع رئیس‌جمهوری تنزل پیدا کرد و قوه قضائیه نیز عملاً در اختیار قوه مجریه قرار گرفت. چاوس مسئله فقر را شفاف‌تر و آشکارت‌ر از لولا در کانون سیاست‌های خود قرار داد. دولت چاوس فروشگاه‌های بزرگ دولتی را برای عرضه مواد غذایی به مردم فقیر در نظر گرفت. کالاهای ایالات متحده صرف‌نظر کرد. کشورهای صنعتی آسیا و همین‌طور چین وضعیت بازارهای امروزی خود را سرهون سیاست‌های حمایتی دولتی و ریسک‌پذیری برای ورود به رقابت‌های بین‌المللی هستند.

البته ایالات متحده هم به‌ویژه تحت فشار کشاورزان این کشور، طرح Aica را ارائه کرد. برای ایالات متحده بازارهای مصرفی آسیایی و افزایش قدرت خرید مردم این کشورها به مراتب مهم‌تر و پرمشغلت‌تر از بازارهای آمریکای لاتین به شمار می‌آید. علاوه بر برزیل در حال پرداخت بدهی‌های خود به ایالات متحده است و ونزوئلا هم هفتاد درصد از نفت صادراتی خود را به آمریکا می‌فروشد، این مقدار نفت تنها پانزده درصد از نیاز نفتی آمریکا را تأمین می‌کند. در حال حاضر هم هیچ خطری از نظر خلع‌ید از شرکت‌های نفتی آمریکایی و با ملی کردن کنسرسیوم‌های خارجی توسط ونزوئلا وجود ندارد. گرایش به چپ آمریکای لاتین از نظر سیاست‌های امنیتی هیچ تهدیدی بر علیه ایالات متحده ایجاد نمی‌کند. دیگر آن دوران که در فاصله نود مایلی سواحل فلوریدا پایگاه‌های ماهواره‌ای شوروی مستقر بود و درست در کنار گوش ایالات متحده چریک‌های مسلح فعالیت داشتند، گذشته است. دیگر نه از اتحاد شوروی خبری هست و نه کوبا می‌تواند خطری برای ایالات متحده ایجاد کند. گذشته از آن ایالات متحده هنوز هم برای بازیگران اصلی آمریکای لاتین یعنی ونزوئلا و برزیل حکم‌مهم‌ترین شریک تجاری را دارد. این مسئله در مورد مکزیک هم صدق می‌کند. با این حال چپ‌گرایی فزاینده در آمریکای لاتین نشان از تلاشی است که برای رهایی از وابستگی‌های سیاسی و اقتصادی به آمریکا صورت می‌گیرد. کوبا که چندین دهه عملاً از خانواده کشورهای آمریکای لاتین جدا شده بود، دوباره به آغوش این خانواده بازگشته است و کشوری مثل برزیل در سازمان تجارت جهانی برای ایالات متحده آمریکا خط و نشان می‌کشد. اینها همه و همه نشانگر وجود یک اعتمادبه‌حسن و خودکاهی نوین در این شبه‌قاره است. ونزوئلا در آینده در منطقه میان دریای کارائیب و کوه‌های آند نفوذ بیشتری خواهد یافت و برزیل هم تنها به اتکای وسعت و قدرت اقتصادی‌اش نقش رهبری سیاسی منطقه را ایفا خواهد کرد. «جیمز مونرو» رئیس‌جمهور ایالات متحده در ۱۸۳ سال پیش اعلام کرده بود: «آمریکا برای آمریکائیان». او با این شعار سعی داشت به اروپایی‌ها هشدار دهد که در جنگ‌های استقلال به نفع اسپانیا مداخله نکنند. زیرا از نظر رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، آمریکای لاتین متعلق به ایالات متحده آمریکا بود. اما حال و سال‌ها پس از دوران گستاخی‌های قدرت شمالی آمریکا در مقابل کشورهای آمریکای جنوبی، می‌توان ادعا کرد که آن شعار و آن دوران به زودی به تاریخ خواهد پیوست.

منبع : Die zeit

یکشنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۸۵

خبرها

۳۰درصد زندانیان گوانتانامو آزاد می‌شوند

ایستا: پنتاگون اعتراف کرد، علیه ۳۰ درصد زندانیان موجود در گوانتانامو اتهامی وجود ندارد. به گزارش المحيط، وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرد: ۳۰ درصد از زندانیان گوانتانامو که بی‌گناهی آنها ثابت شده بعد از فراهم آمدن شرایط لازم برای بازگشت به کشورهایشان آزاد خواهند شد. پنتاگون همچنین اعلام اسامی و تعیین هویت ۱۴۱ تن از زندانیانی که گفته می‌شد به کشورهایشان بازگردانده شدند، رد کرد. مسئولان این وزارتخانه تأکید کردند که بازداشت یک فرد مظنون بیش از زمان لازم، به نفع آمریکایست لذا پنتاگون در حال بررسی شرایط بازگشت این زندانیان به کشورهایشان است. سخنگوی ارتش آمریکا در گوانتانامو درخصوص علت عدم ارائه هویت مظنونانی که از گوانتانامو به کشورهایشان انتقال داده شدند، تأکید کرد که این امر به دلیل حساسیت موضوع و بررسی‌هایی است که بین دولت آمریکا و کشورهای مذکور جهت امور زندانیان صورت می‌گیرد. واشینگتن اخیراً اسامی ۵۸۸ تن از زندانیانی را که به اتهام اقدامات تروریستی در زندان‌های خارج آمریکا بازداشت هستند، فاش کرد.

بی‌توجهی بوش به گزارش سیا درباره عراق
فارس : یکی از افسران بازنشسته سازمان سیا افشا کرد این سازمان پیش از آغاز جنگ به دولت آمریکا هشدار داده بود که صدام تسلیحات کشتارجمعی در اختیار ندارد. به گزارش خبرگزاری فرانسه تایپر دراملر گفت: «اما دولت به راحتی این هشدارها را رد کرده و گفت دیگر نیازی به اطلاعات نیست و سیاست درباره عراق اتخاذ شده است.» این اظهارات که در یکی از برنامه‌های سیاسی شبکه سی‌بی‌اس آمریکا عنوان شده است به اتهامات قبلی درباره استفاده نادرست دولت بوش از اطلاعات مربوط به نبود تسلیحات کشتارجمعی در عراق پیش از صدور دستور حمله به صورت مخفیانه به دولت آمریکا داده شده بود. این اطلاعات توسط «تاجی صبری» وزیر سابق امور خارجه عراق در زمان صدام که به‌عنوان مأمور اطلاعات مخفی برای سازمان‌های غربی فعالیت می‌کرد در اختیار سازمان سیا قرار گرفته بود. به گفته دراملر این اطلاعات به سرعت در اختیار بوش رئیس‌جمهور، دیک چنی معاون رئیس‌جمهور و دیگر مقامات عالی‌رتبه آمریکا قرار گرفته شد اما آنها اطلاعات را رد کردند.

رقیب چاوس در انتخابات مشخص شد
ايلنا : «تئودر پتکوف» رهبر سابق شورشیان ونزوئلا اعلام کرد به عنوان رقیب «هوگو چاوس» رئیس‌جمهوری کنونی در انتخابات ماه دسامبر حضور خواهد داشت. روبرتز گزارش داد پتکوف که یکی از مخالفان هوگو چاوس محسوب می‌شود و تنها فردی که امید می‌رود چاوس را در انتخابات ریاست‌جمهوری شکست دهد، گفت که در کمپین مردم فقیر حمایت می‌شود، شکست خواهد داد. او افزود: «من به دنبال فقر نخواهم گشت، چون چاوس پیش از این، آن را به من نشان داده است. سال‌ها پیش از اینکه چاوس مطرح شود، من به روستاها و شهرهای فقیرنشین سفر کردم.» پتکوف سرریز یکی از روزنامه‌های ونزوئلا در آخرین نظرسنجی‌های اعلام شده از دیگر رقبیان خود که مخالف سیاست‌های چاوس هستند، پیگری گرفته است. کارشناسان سیاسی معتقدند که یک سیاستمدار چپ‌گرا برای مبارزه با هوگو چاوس مناسب‌تر است.

برزیل در مسیر هسته‌ای شدن
ايرنا : روزنامه یواس‌ای‌تودی روز شنبه در گزارشی نوشت: «برزیل بدون سرورصدا مسیر هسته‌ای را می‌پیماید.» یواس‌ای‌تودی تصریح کرد: «در حالی که ایران درباره توسعه مواد خام برای برنامه اتمی زیر فشار بین‌المللی است، اما برزیل به آرامی اقدام افتتاح مرکز غنی‌سازی اورانیوم خود می‌کند که دقیقاً می‌تواند همان اندازه اورانیوم غنی کند. این نوشته این روزنامه، برزیل مانند ایران عضو «ان‌پی‌تی» است «برزیل به تدریج به عنوان کشوری شناخته می‌شود که قصد دارد تعهدات خود را در «ان‌پی‌تی» مورد بازنگری قرار دهد و این بخش عمده مشکل این کشور بزرگ در آمریکای لاتین است. رئیس‌جمهور کنونی برزیل می‌خواهد از غنی‌سازی برای افزایش اعتبار برزیل و دستیابی به کرسی دائم در شورای امنیت استفاده کند.»

دفاع رایس از رامسفلد
ايسنا : رایس ضمن دفاع از رامسفلد وی را یکی از «دوستان قدیمی» خود معرفی کرد. کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا در گفت‌وگو با روزنامه شیکاگو تایمز اعتراض‌های رامسفلد برخی از ژنرال‌های بازنشسته ارتش آمریکا علیه دونالد رامسفلد وزیر دفاع آمریکا را تهدیدی تاریخی و بزرگ علیه او توصیف کرد. «این ضمن دفاع از رامسفلد است که در انتقادهای مطرح شده طی هفته‌های اخیر موافق نیست و در شرایط تهدیدآمیز کنونی باید پذیرفت که برخی از اقدامات در جهت اشتباه و برخی دیگر در جهت صحیح پیش می‌رود. رایس با انتقاد از این اظهارات که «رامسفلد هزاران اشتباه تاکتیکی از زمان جنگ عراق تاکنون داشته» عنوان داشت: «رامسفلد یکی از دوستان قدیمی من است و در حال حاضر وزیر دفاع خوبی محسوب می‌شود.»

افزایش بودجه تحقیقات اتمی اروپا
ايرنا : اتحادیه اروپا در یک گروه‌حالی غیرسرمی در شهر «گراتس» اتریش تصمیم گرفت که بودجه مربوط به تحقیقات هسته‌ای این اتحادیه را به سه برابر افزایش دهد. وزرای تحقیقات و اقتصاد ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا و کشورهای رومانی، کرواسی و بلغارستان عصر جمعه بودجه‌ای معادل ۵۴ میلیارد یورو را برای آن اختصاص دادند. بخش اعظم این بودجه قرار است طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ در کشورهای عضو اتحادیه در زمینه تحقیقات اتمی هزینه شود. «الیزابت گهر» وزیر علوم اتریش به نمایندگی از ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا در این نشست گفت: «این افزایش بودجه تغییر در سیاست‌های ضدهسته‌ای اتریش و اروپا ایجاد نخواهد کرد.»